

الله أكبر
الله أكبر
الله أكبر

۱۲۹۷۱۷



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه الهیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی الهیات - علوم قرآن و حدیث

هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه

استاد راهنما

دکتر محسن صمدانیان

استاد مشاور

دکتر رسول ربانی

پژوهشگر

فردوس میریان اندانی

تیر ماه ۱۳۸۸

گروه مطالعات قرآنی و حدیثی
قمیه دارک

۱۳۸۸/۱۰/۲۷

۱۲۹۶۸۷

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،
ابتکارات و نوآوریهای ناشی از تحقیق موضوع این
پایان نامه متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه الهیات

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی الهیات - علوم قرآن و حدیث
خانم فردوس میریان اندانی

تحت عنوان

هنجارها و ناهنجاریهای اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه

در تاریخ ۸۸/۴/۸ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر محسن صمدانیان با مرتبه ی علمی استادیار

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر رسول ربانی با مرتبه ی علمی دانشیار

۳- استاد داور داخل گروه دکتر مهدی مطیع با مرتبه ی علمی استادیار

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر سیدعلی هاشمیان فر با مرتبه ی علمی استادیار

امضای مدیر گروه الهیات

رهنما گری

تشکر و قدردانی

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

الحمد لله على كل نعمة

خالقا سپاس بی نهایت تورااست که انسان را برترین موجودات آفریدی و توانایی اندیشیدن را به او هدیه نمودی.

معبودا کمال سپاس و ستایش مخصوص توست از اینکه بیکرانه هستیت را به نور محمد (ص) روشن نمودی و مسیر عبودیت را به کلام خود و به مرام و کلام اولیاء خود چون علی (ع) هموار ساختی.

از استاد گرامی جناب آقای دکتر محسن صمدانیان که راهنمایی تدوین این پایان نامه را عهده دار بودند بسیار سپاسگزارم.

از جناب آقای دکتر رسول ربانی که مشاوره این پایان نامه را پذیرفتند بسیار سپاسگزارم. همچنین قدر دانی و تشکر می‌نمایم از جناب آقای دکتر سید علی هاشمیان فر و جناب آقای دکتر مهدی مطیع که از نظرات آنان در این زمینه بهره مند شدم.

از کلیه اساتید حوزه و دانشگاه بخصوص جناب حجة الإسلام سید ابوالحسن بدری، جناب آقای دکتر رضا شکرانی، جناب آقای دکتر ستوده نیا، جناب آقای دکتر حاجی اسماعیلی و جناب آقای دکتر محسن نقدعلی بسیار سپاسگزارم.

لازم می‌دانم از جناب آقای منصور اربابیان، سرکار خانم اختر دانش، سرکار خانم عبدلیان و همه عزیزانی که به نحوی یاریم نموده‌اند سپاسگزاری نمایم.

از خداوند متعال طلب رحمت و مغفرت می‌نمایم برای پدر بزرگوارم و برادر شهیدم سید اکبر میریان دانشجوی دانشکده علوم دانشگاه اصفهان.

از خانواده عزیزم به خصوص مادر مهربان و همسر فداکارم بسیار متشکرم.

تقدیم به پیشگاه ولیّ عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف) و همه علاقه‌مندان به
تفکر و دانش

چکیده

به منظور آشنایی بیشتر با راهکارهای مطمئن برای اصلاح امور جامعه و پیشرفت در زمینه‌های مختلف علمی، فرهنگی و اقتصادی، لازم است موضوعات و مسائل اجتماعی، از نظر اسلام و با توجه به نظریه‌های جامعه‌شناسی روز مورد مطالعه قرار گیرد.

امام علی (ع) ربع قرن پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) و به دنبال مشکلاتی که در جامعه مسلمین به وجود آمد به عنوان رهبر حکومت اسلامی زمام امور را در دست گرفته و به اصلاح امور جامعه پرداختند. کلام علوی در نهج البلاغه به خصوص بخشهایی از آن که در زمان حکومت و مسئولیت مستقیم ایشان در اداره امور جامعه، ایراد گردیده در این زمینه از اهمیت خاصی برخوردار است.

در این تحقیق دیدگاه نهج البلاغه در مورد هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی و بعضی از آثار آن بر فرد و جامعه، انواع ارزشها و ضد ارزشها و شرایط تبدیل ارزشها به هنجار بیان گردیده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. هنجارها و ناهنجاریهای اجتماعی از موضوعات مورد بحث در علم جامعه‌شناسی است. در جامعه‌شناسی، "هنجار"، قاعده و معیاری است برای رفتار و تنظیم روابط، که اکثریت از آن پیروی می‌کنند و عدم پیروی از آن مجازات در پی دارد. از طرفی، هنجارها بر اساس ارزشهای اجتماعی قرار دارند و با رعایت کردن آنها جامعه انتظام پیدا می‌کند. معارف نهج البلاغه در این زمینه حاکی از آن است که امام علی (ع) علاوه بر تشویق مردم و ایجاد عوامل و شرایط برای پیروی از هنجارهای دینی، برای حفظ نظم و وحدت در جامعه، به پیروی از هنجارهای مفید اجتماعی توصیه نموده و بر عدم پیروی و شکستن هنجارهای مضر و جاهلی تأکید داشتند.

عوامل پیروی و عدم پیروی از هنجار و الگوهای رفتار نیز از مطالبی است که از نظر نهج البلاغه مورد بررسی قرار گرفته و در نتیجه ایمان، آگاهی، مراقبت درونی و وجود الگوهای رفتار در جامعه از مؤثرترین عوامل پیروی از هنجارها شناخته شد.

واژگان کلیدی: امام علی (ع)، نهج البلاغه، جامعه، هنجار، ارزش، سنت.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	پیشگفتار

فصل اول: هنجارهای اجتماعی

۱	۱-۱-۱-۱ هنجار
۶	۱-۱-۱-۱ اهمیت رعایت هنجارها
۷	۱-۱-۲-۱ هنجارهای مفید و مضر
۲۰	۱-۲-۱-۲ ارتباط فتنه با هنجارهای مضر
۲۰	۱-۲-۱-۱ مفهوم فتنه
۲۲	۱-۲-۲-۲ فتنه در زمان جاهلیت
۲۳	۱-۲-۳-۱ عوامل بروز فتنه
۲۳	۱-۲-۴-۱ توصیه‌های امام (ع) در رابطه با فتنه
۲۶	۱-۲-۵-۱ ضرورت نبرد با عوامل فتنه در مواقع خاص
۲۸	۱-۲-۶-۱ انواع فتنه
۳۰	۱-۲-۷-۱ مقایسه بین انواع فتنه

فصل دوم: ارزشها و ضد ارزشها

۳۳	۱-۲-۱-۱ ارزش
۳۴	۱-۱-۱-۲ منشأ ارزشها
۳۵	۱-۲-۱-۲ انواع ارزشها
۳۶	۱-۲-۲-۲ ارزشها از نظر نهج‌البلاغه
۳۶	۱-۲-۲-۱ تقوی
۴۰	۱-۲-۲-۲ ایمان به همراه عمل صالح
۴۹	۱-۲-۲-۳ یادگیری و فهم قرآن
۵۰	۱-۲-۲-۴ علم
۵۲	۱-۲-۲-۵ عدالت

عنوان

صفحه

۵۳	۲-۲-۶- حق گرایی
۵۳	۲-۲-۷- وحدت
۵۴	۲-۲-۸- صبر
۵۶	۲-۲-۹- عقل
۵۶	۲-۲-۱۰- امر به معروف و نهی از منکر
۵۷	۲-۲-۱۱- سایر ارزشها
۶۲	۲-۳-۱- ضد ارزشها و ارزشهای مضر از نظر نهج البلاغه
۶۲	۲-۳-۱- ارزشهای مضر
۶۳	۲-۳-۲- ضد ارزشها

فصل سوم: الگوهای رفتار

۶۷	۳-۱- مفهوم جامعه‌شناختی الگوهای رفتار
۶۷	۳-۲- مفهوم اسوه
۶۷	۳-۳- اصلاح الگوهای رفتار
۶۸	۳-۴- معرفی اسوه‌ها
۶۸	۳-۴-۱- معرفی افراد
۷۹	۳-۴-۲- معرفی صفات

فصل چهارم: علل پیروی از هنجار

۸۷	۴-۱- مراقبت اجتماعی (کنترل اجتماعی)
۸۷	۴-۱-۱- انواع مراقبتهای اجتماعی
۸۸	۴-۱-۲- انواع مراقبتهای از نظر نهج البلاغه
۹۴	۴-۱-۳- مراقبتهای رسمی و غیر رسمی (امر به معروف و نهی از منکر)
۱۰۶	۴-۲- بالا بردن سطح آگاهی و تقویت عقیده عمومی
۱۰۶	۴-۲-۱- نقش اعتقادات بر مراقبتهای درونی و پیروی از هنجار
۱۰۷	۴-۲-۲- بخشی از توصیه‌های امام (ع) به منظور تقویت عقیده
۱۰۸	۴-۲-۳- نقش ایمان در ایجاد علاقه و محبت و بهبود روابط اجتماعی
۱۱۰	۴-۳- انواع آموزش

۱۱۰	۱-۳-۴- درونی شدن هنجار با آموزش از دوران کودکی
۱۱۰	۲-۳-۴- موعظه و بیان تجربیات
۱۱۲	۳-۳-۴- آموزش هنجارها از قرآن و نهج البلاغه
۱۱۳	۴-۳-۴- آموزش و پرورش از حقوق مردم بر رهبر
۱۱۳	۴-۴- بردباری نسبت به پیروی از هنجارها
۱۱۳	۱-۴-۴- حلم از صفات الهی
۱۱۴	۲-۴-۴- بردباری از صفات متقین
۱۱۴	۳-۴-۴- بردباری و گذشت در برابر دشمن
۱۱۵	۴-۴-۴- عاقبت به خیری در اثر گذشت و بردباری
۱۱۵	۵-۴-۴- بردباری موجب اعتدال و خوش‌نامی
۱۱۵	۶-۴-۴- حلم پوشاننده عیوب
۱۱۵	۷-۴-۴- نمونه‌ای دیگر از بردباری امام (ع)

فصل پنجم: علل عدم پیروی از هنجار

۱۱۸	۱-۵- عدم وجود هنجار
۱۲۱	۲-۵- عدم اطلاع از هنجار
۱۲۳	۳-۵- عدم کنترل
۱۲۶	۴-۵- تغییر ناگهانی
۱۲۹	۵-۵- تضاد با نیاز و محدودیت امکان ارضای نیاز
۱۲۹	۱-۵-۵- رابطه بین نیاز، هنجار، و پیروی از هنجار
۱۳۰	۲-۵-۵- فاصله طبقاتی عامل تشدید احساس نیاز
۱۳۱	۶-۵- تضاد هنجاری
۱۳۲	۱-۶-۵- ارتباط تضاد هنجاری و رفتار منافقانه
۱۳۴	۷-۵- هنجارهای بیرونی
۱۳۴	۱-۷-۵- علاج تکبر و پیشگیری از خود کامگی

فصل ششم: عوامل تبدیل ارزشها به هنجار

۱۳۷	۱-۶- ارتباط رهبر با مردم
-----	--------------------------

عنوان	صفحه
۱-۱-۶- اهمیت ارتباط مثبت رهبر با مردم.....	۱۳۷
۲-۱-۶- علل علاقه و اعتماد مردم به رهبر.....	۱۳۸
۳-۱-۶- از بین بردن بدگمانی مردم نسبت به رهبر.....	۱۴۰
۴-۱-۶- پرهیز از بد رفتاری با مردم و رعایت اعتدال در برخورد با آنان.....	۱۴۰
۵-۱-۶- مباشرت رهبر در امور.....	۱۴۱
۶-۱-۶- لزوم قاطعیت رهبر.....	۱۴۱
۷-۱-۶- لزوم وحدت و همراهی مردم با رهبر.....	۱۴۱
۸-۱-۶- ارزش پیروی مردم با میل و رغبت و ناکارایی زور و اجبار.....	۱۴۳
۲-۶- ارزش یا پدیده‌ای که قرار است به هنجار تبدیل شود.....	۱۴۳
۱-۲-۶- احساس علاقه و نیاز به موضوع.....	۱۴۳
۲-۲-۶- عوامل هنجار شدن نماز در بین مسلمین.....	۱۴۳
۳-۶- روشهای تبلیغی و عوامل مؤثر در تبلیغ.....	۱۴۵
۱-۳-۶- روشهای تبلیغی.....	۱۴۵
۲-۳-۶- عوامل مؤثر در تبلیغ.....	۱۴۷
۳-۳-۶- روش دعوت.....	۱۵۰
نتیجه‌گیری.....	۱۵۲
منابع و مأخذ.....	۱۵۵

پیشگفتار

بدیهی است که انسان به تنهایی قادر به ادامه حیات نیست و برای رفع نیازهای خود بایستی با هموعانش ارتباط برقرار کرده، با تعامل و تعاون زندگی کند. بنابر این تردیدی نیست که انسان یک موجود اجتماعی است که با گذشت زمان و گسترش ارتباطات، مسائل و مشکلات او در این زمینه افزایش می‌یابد. بدین جهت از مهم‌ترین نیازهای انسان، دستیابی به قواعد و راهکارهایی برای رفع مشکلات اجتماعی اوست. هدف اصلی ادیان الهی پاسخگویی به این نیاز و اصلاح امور جامعه انسانی، جهت رسیدن آن به سعادت و کمال است.

اسلام با گذشت مدتی محدود از پیدایش خود اصلاحات چشمگیری در قبایل عرب انجام داد و با وجود مشکلات و موانع مختلف، تأثیرات عمیقی بر پیشرفت بسیاری از جوامع بشری داشت. به همین دلیل و با توجه به اینکه اسلام دین کامل و خاتم ادیان الهی است، بالقوه قادر به حل معضلات فردی و اجتماعی بشر است.

برای توضیح این مسئله بعضی از خصوصیات اسلام از نظر نهج البلاغه بیان می‌شود:

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَعَ الْإِسْلَامَ فَسَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ وَ أَعَزَّ أُرْكَانَهُ عَلَى مَنْ غَالَبَهُ فَجَعَلَهُ أَمْنًا لِمَنْ عَظُمَ عَلَيْهِ وَ سَلَامًا لِمَنْ دَخَلَهُ (عقله) وَ بُرْهَانًا لِمَنْ تَكَلَّمَ بِهِ... (خطبه ۱۰۶/۱)

ستایش خداوندی را سزااست که راه اسلام را گشود و راه نوشیدن آب زلالتش را بر تشنگان آسان فرمود. ستون‌های اسلام را در برابر ستیزه‌جویان استوار کرد و آن را پناهگاه امنی برای پناه‌برندگان و مایه آرامش برای وارد شوندگان قرار داد. اسلام حجت و برهان برای گویندگان، و گواه روشن برای دفاع‌کنندگان و نور هدایتگر برای روشنی‌خواهان و مایه فهمیدن برای خردمندان و عقل و درک برای تدبیرکنندگان... و سپری نگه‌دارنده برای استقامت‌دارندگان است. از ضروریات زندگی اجتماعی انسانها، برخورداری از امنیت و آسایش است، تا در پرتو آن بتوانند زندگی مسالمت‌آمیزی داشته و از مواهب الهی کمال استفاده را بنمایند. از طرفی خصوصیات فطری و اخلاقی انسان به گونه‌ای است که بدون برنامه و قانون نمی‌تواند نظم و امنیت جامعه خود را تأمین کند. از ویژگیهای مهم قوانینی که می‌تواند امنیت و سلامت جامعه انسانی را به خوبی تأمین کند این است که اولاً تنظیم‌کننده آن، آگاهی کامل به احتیاجات و روحیات انسان داشته باشد و ثانیاً قوانین و اجرای آن در جامعه برای مردم و مسئولین دشوار نباشد. زیرا دشواری آن موجب نقض غرض است. (قانونی که می‌بایست راه گشا باشد خود مسدود راه می‌شود).

آیهی: **وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ (۲۲/۷۸)** و در دین اسلام کار سنگین و سختی برای شما قرار نداد؛ و سخن امام علی (ع) که فرمود: **وَ سَهَّلَ لَكُمْ سُبُلَ الطَّاعَةِ . (خطبه ۱۵۱/۱۶)** و راه اطاعت و بندگی را آسان فرمود؛ همچنین فراز مذکور از خطبه صدوشش، چند نمونه از آیات و روایاتی است که دقت و تأمل در آنها، دلالت بر این دارد که گرچه

۱ - در این تحقیق، شماره خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمتها (با ترجمه) بر اساس نهج البلاغه دشتی و شماره‌های مندرج در کنار آن‌شماره‌ها طبق شماره‌گذاری متن عربی آن می‌باشد. (سمت راست شماره خطبه، نامه و یا حکمت، و در سمت چپ شماره سطر ذکر شده است). بعد از آیات قرآن کریم ابتدا (سمت راست) شماره سوره و بعد شماره آیه درج شده و ترجمه آیات از ترجمه آیه الله مکارم شیرازی است.

اجرای بعضی از احکام دین در شرایط خاص، و برای بعضی افراد، مشکل بنماید، ولی در کل تنها راه نجات بشر از مشکلات و مصائب و دستیابی به زندگی آسان‌تر و امن‌تر پناه بردن به اسلام و عمل به مقررات آن است.

به طور خلاصه می‌توان گفت برنامه‌های دین برای سامان بخشیدن و بهبودی وضعیت زندگی اجتماعی انسان است. بعید به نظر می‌رسد اگر انسان موجودی اجتماعی نبود نیازی به ارسال رسل و انزال کتب داشت. زیرا انسان تنها نیازی به برنامه و قانون نداشت. هر گونه که خداوند به او الهام می‌کرد و خودش می‌خواست خدا را عبادت می‌کرد و به زندگی خود ادامه می‌داد، شاید مشکلی هم به وجود نمی‌آمد. انسانهایی که زندگی آنها وابسته به جامعه‌شان است و برای رفع نیازهای خود مجبور به برقراری ارتباط با هم‌نوعان خود می‌باشند، به یک برنامه جامع و واحدی نیازمندند تا روش برخورد با یکدیگر و پیشگیری از فساد و جنگ و شورش را بیاموزند.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَصَّكُمْ بِالْإِسْلَامِ وَ اسْتَخْلَصَكُمْ لَهُ وَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ اسْمُ سَلَامَةٍ وَ جَمَاعُ كَرَامَةٍ
إِصْطَفَى اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُجَهُ (خطبه ۸/۱۵۲)

همانا خدای متعال شما را به اسلام اختصاص داد و برای اسلام برگزید، زیرا اسلام نامی از سلامت است، و فراهم کننده کرامت جامعه می‌باشد، راه روشن آن را خدا برگزید و حجت‌های آن را روشن گردانید.

مبانی دین اسلام بر اساس اجتماعی بودن انسان بنا شده و سلامت و کرامت او را عهده‌دار گشته است. حتی عبادات، که برخی گمان می‌کنند صرفاً مربوط به امور فردی است، ابعاد اجتماعی آن کاملاً قابل ملاحظه است. برای مثال، هر چند نمازگزار نمازش را به صورت فردی اقامه کند، در مقابل خداوند، نه تنها از زبان خودش بلکه از زبان جامعه موحد سخن می‌گوید، اِیَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِیَّاكَ نَسْتَعِينُ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ... دیگر اینکه فضیلت نماز جماعت به مراتب بیشتر از نماز فردی است.

ارتباط نماز با زکات نیز از ابعاد جمعی نماز می‌باشد که در قرآن کریم به انحاء مختلف به آن پرداخته شده است. از جمله، در معرفی مقام ولایت، ولایت شخصیتی را در ردیف ولایت خدا و ولایت رسول خدا قرار می‌دهد که در عین عروج به درگاه قرب خالق، به مخلوق او احسان نموده و در حال نماز، زکات مستحب را به تأخیر نمی‌اندارد.

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يَوْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ (۵۵/۵)

سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند همانها که نماز را به پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

از خصوصیات اسلام هماهنگی آن با عقل و منطق (و برهاناً لمن تکلم به) و تأکید بر تفکر، تعقل و تعلم است که نشانه حقانیت و پایداری این دین می‌باشد. برنامه اسلام پرورش و شکوفایی استعدادهای بشر، پیشرفت و توسعه علوم به همراه تعقل و تقوی است، تا به این وسیله بتوانند به پیشرفتهای معنوی و مادی نایل گردند. بنابراین و با توجه با وضعیت کنونی دنیا به عنوان دهکده جهانی که جوامع مختلف آن در ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی متأثر از یکدیگرند، آشنایی هرچه بیشتر مسلمین به مسائل جامعه‌شناسی و علوم و فنون جدید امری ضروری است. در این صورت محققین اسلامی می‌توانند با توجه به مقتضیات زمان، علوم پیشرفته و اصطلاحات جدید آن، معارف دینی را به زبان روز و به شکل کاربردی بیان کنند.

اصول و مبانی علوم مختلف در منابع دینی از جمله قرآن کریم و نهج البلاغه وجود دارد. هر چند در بسیاری از موارد به جزئیات، نیز پرداخته شده است، ولی با پیشرفت زمان و تغییر شرایط زندگی، مسائل و مشکلات جدیدی به وجود می‌آید که بایستی با توجه به همان اصول و مبانی و علوم پیشرفته پاسخگوی آن مسائل بود. اصولاً حکمت الهی بر این است که اندیشه‌ها و عقل‌ها همیشه در تلاش و تکاپو باشند و به یافته‌های نو دست یابند. نهج البلاغه این موضوع را از اهداف بعثت انبیاء برشمرده است.

...و يُثْبِرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ (خطبه ۳۶/۱) و توانمندی‌های پنهان شده عقل‌ها را آشکار سازند.

در تفسیر این فراز از نهج البلاغه آمده:

((تا گنجینه‌های دانش که در درون عقلها نهفته است برای او آشکار سازند. چرا که دست قدرت پروردگار گنجینه‌های بسیار عظیم و گرانبها در درون عقل آدمی نهاده که اگر کشف و آشکار شوند جهش عظیم در علوم و دانشها و معارف حاصل می‌شود.)) (مکارم شیرازی، پیام امام، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۱۶)

سرچشمه همه علوم علم الهی است و شروع آن از آغاز آفرینش انسان به او وحی شد. وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا (۳۱/۲) سپس علم اسماء {علم اسماء آفرینش و نامگذاری موجودات} را همگی به آدم آموخت. سپس با گسترش زندگی بشر بخشی از علوم به اذهان عموم مردم القاء شد مانند یادگیری دفن هابیل توسط قابیل. و بخش دیگر که دیگران تحمل دریافت آن را نداشتند به پیامبران (ع) وحی شد. این دو شاخه از علم که به تدریج هر کدام به شاخه‌های متعدد منشعب شد، در توسعه زندگی بشر و رفع نیازهای او مکمل یکدیگر بوده‌اند.

تحولات اساسی و سودمند و عمیق‌ترین اصلاحات در زندگی بشر توسط ادیان الهی صورت گرفته است. در قرون سه و چهار فیلسوفان مسلمان چون فارابی و ابن سینا به علوم زمان خویش احاطه داشتند و به همین دلیل نظریات بسیار ارزشمندی در مورد جامعه و مسائل اجتماعی ارائه کردند که موجب پیشرفتهای وسیعی در آن زمان بود. از این رو به خصوص، جامعه‌شناسی از علمی است که مبانی و اصول آن در علوم الهی پایه گذاری شده و در منابع اسلام موجود است، که با استفاده از آن و استفاده از پیشرفتهایی که بشر در این زمینه داشته است می‌توان نظریات و راهکارهای جدید را در قالبهای کاربردی ارائه داد. به دلیل پیشرفت جامعه‌شناسی مانند علوم دیگر لازمه این کار آن است که موضوعات به صورت جزئی و تخصصی مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد.

در بین مباحثی که در جامعه‌شناسی مطرح است، هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی از موضوعاتی است که به طور مستقیم با مصالح و مفاسد جامعه در ارتباط است و آشنایی با مسائل مربوط به آن می‌تواند در ترویج فرهنگ اسلامی و رفع معضلات جامعه مؤثر باشد. به این منظور در بین منابع اسلامی نهج البلاغه به عنوان منبع اصلی این تحقیق انتخاب شد زیرا یکی از ابعاد حائز اهمیت نهج البلاغه، به عنوان تفسیری از قرآن کریم و دین اسلام، بعد اجتماعی آن می‌باشد. به خصوص بخشهایی از بیانات حضرت که در زمان حکومت و مسئولیت مستقیم ایشان در اداره امور جامعه، ایراد گردیده در این زمینه از اهمیت خاصی برخوردار است.

تألیفاتی در زمینه بعضی از موضوعات اجتماعی نهج البلاغه وجود دارد که اکثراً به کلیات آن موضوعات، پرداخته شده است. برای نمونه به بعضی از این موضوعات اشاره می‌شود:

نقش دین در زندگی جمعی، تألیف هیئت تحریریه نهج البلاغه. نتیجه این تحقیق به طور خلاصه و کلی چنین

است:

((کارکرد اصلاحی و انحطاطی ادیان را به نحو موجه جزئی قابل قبول دانستیم. سرانجام نیز به عباراتی گویا از نهج البلاغه استناد جستیم که به آثار تعالی بخش دین اسلام در جزیره العرب پرداخته بود.)) (هیئت تحریریه نهج البلاغه، ۱۳۷۳، ص ۵۳۲)

منشأ اجتماع، اهمیت جمع‌گرایی، اصالت فرد یا جامعه از موضوعاتی است که در کتاب جامعه از دیدگاه نهج البلاغه مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده در پایان کتاب متذکر می‌شود:

((مطالب ناگفته بسیاری در مسائل اجتماعی گوناگون نظیر فلسفه، تاریخ قانونمندی جامعه، سنت‌های الهی در اجتماع، آیین دوست‌یابی و دوستی و غیره به انتظار دانش‌طلبان لحظه شماری می‌کند.)) (کلشمنی، ۱۳۷۲، ص ۴۱۹)

با توجه به مطالعه‌ای که در این زمینه صورت گرفت، هر چند مباحث جامعه‌شناسی بسیار مفید از نظر متفکرانی چون علامه طباطبایی، علامه جعفری، و شهید مطهری ارائه گردیده است ولی موضوعاتی چون هنجارهای اجتماعی به صورت خاص و میان رشته‌ای (الهیات-جامعه‌شناسی) مورد بررسی قرار نگرفته است.

در این تحقیق، کل نهج البلاغه مورد مطالعه قرار گرفت و معارف و مفاهیم آن (در حد توان و گنجایش این تحقیق) در مورد موضوعات مربوط به هنجارهای اجتماعی، با استعانت از آیات قرآن کریم و در قالب اصطلاحات و عناوین رایج در علوم اجتماعی تبیین شده است. این امر موجب درک بیشتر و استفاده بهتر از مطالب این دو منبع ارزشمند می‌گردد. اصولاً کمک گرفتن از علوم جدید و رشد و توسعه علوم مختلف، موجب بهره‌گیری بیشتر از علوم الهی است، برای مثال ساخت دوربینهای فیلمبرداری باعث شد تفسیر و فهم آیاتی از قرآن کریم که دلالت بر تجسم اعمال دارند آسان شود. از طرفی علوم اسلامی به دلیل اینکه مشتمل بر حقایقی است که خطا و انحرافی در آن نیست می‌تواند از بسیاری از خطاها و انحرافات در علوم دیگر پیشگیری کرده و آن را در جهت پیشرفت و سعادت بشر هدایت نماید.

نظریه‌های جامعه‌شناسی (زمانی که کاملاً علمی و دقیق باشد) بیان واقعیتی است که جامعه یا جوامع مورد نظر با آن واقعیات درگیر هستند. در صورتی که مطالب قرآن و نهج البلاغه در این زمینه علاوه بر واقعیات، مشتمل بر حقایقی است که شناخت صحیح آن حقایق و کاربرد آن برای سلامت، حفظ نظام، و برطرف شدن مشکلات جوامع مختلف لازم است. برای مثال: در جامعه‌شناسی یکی از عوامل پیروی از هنجارهای اجتماعی ترس از مجازاتهای غیر رسمی مانند پوزخند، نیش زدن و متلک گفتن شناخته شده، بدون اینکه به صحیح بودن یا ناصحیح بودن این عمل اشاره کرده باشد. (رفیع پور، ۱۳۸۲، ص ۲۳۳)

در حالی که در فرهنگ اسلامی در بین عوامل مؤثر بر پیروی و عدم پیروی از هنجار به آن عواملی که واقعاً به صلاح فرد و جامعه است (مانند آموزش و امر به معروف) توصیه، و از عواملی مانند نیش زدن و مسخره کردن که امنیت روحی، روانی جامعه را مختل می‌کند نهی شده است.

فرازهایی از نهج البلاغه حاکی از این مطلب است که از اقدامات بارز امام علی (ع) در راستای اصلاح جامعه، تبیین ارزشها و تقویت عقیده عمومی نسبت به آن، جهت تبدیل ارزشها به هنجار بود. دیگر اینکه آن حضرت به جهت

حفظ نظام جامعه علاوه بر قوانین صریح الهی (هنجارهای دینی) سعی در ایجاد عوامل و شرایط مثبت برای پیروی مردم از هنجارهای مفید اجتماعی نیز داشتند.

در این تحقیق همچنین چگونگی مواجهه با هنجارهای اجتماعی تبیین شده و هنجارهای مفید و مضر مشخص می‌گردد. ارزشها، ضد ارزشها و ارزشهای مضر به همراه بعضی از آثار و نتایج هر کدام از دیدگاه نهج البلاغه بیان شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

فصل اول

هنجارهای اجتماعی

۱-۱- هنجار

- واژه "هنجار" در ادبیات فارسی به معنی گشتن، گردیدن، راه، و بیشتر به معنی راه رسیدن به یک هدف آمده و فضای مفهوم گسترده تر آن "راه و روش" است. طرز، قاعده و قانون نیز جزء معانی هنجار می باشد. ره و هنجار ستمکار همه زشت است ای خردمند مرو بر ره و هنجارش

(ناصر خسرو) (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۴۹، ص ۳۰۸)

((همچنین کلمه ناهنجار در زبان عامیانه که به عنوان یک صفت برای کلمه ضدا به کار برده می شود دارای فضای

مفهوم "آزار دهنده" و نامناسب می باشد.)) (رفیع پور، ۱۳۸۲، ص ۱۸۵)

- اصطلاح هنجار: هر جامعه و یا گروه قواعد، قوانین و آداب و رسوم خاصی برای ایجاد روابط با

یکدیگر و انجام امور فردی و اجتماعی خود دارند که به آن "هنجار" می گویند. خرید و فروش، سلام و احوالپرسی،

آداب میهمانداری، ازدواج و تقریبا هر کاری که انسان انجام می دهد و به طور مستقیم یا غیر مستقیم به دیگر انسانها

مربوط می شود بر اساس یک نوع "هنجار" خاص است.

((روابط اجتماعی موضوع مورد بررسی در علم جامعه شناسی است. این روابط معمولاً بر اساس قواعد و ضوابطی می باشند که اصطلاحاً به آن "هنجار" میگویند. در بسیاری از مواقع این مفهوم یا به طور مبهم و یا با مفاهیم دیگر (بالاخص با مفهوم ارزش) بطور یکسان و مشابه بکار برده می شود.)) (همان، ص ۱۷۸)

به بیانی دیگر هنجارها عبارتند از:

((مقیاس و قاعده برای رفتار و تنظیم روابط، که اکثریت از آن پیروی می کنند و عدم پیروی از آن مجازات در پی دارد.)) (رفیع پور، ۱۳۸۲، ص ۱۸۵)

بعضی از انواع هنجارها، به گونه‌ای با زندگی انسان عجین شده که آنجا هم که فرد تنهاست و هیچکس او را کنترل و مجازات نمی کند رفتارش بر اساس هنجارهای آموخته شده خواهد بود.

- **ناهنجاری:** رفتارهایی که برخلاف قواعد و مقررات اجتماعی انجام شود و موجب اختلال در روابط و بی‌نظمی گردد رفتارهایی نابهنجار هستند.

((هنجارها، رفتار، قاعده، معیار یا میزانی است که با آن رفتار اجتماعی اشخاص در جامعه سنجیده می‌شود. هر رفتاری که با آن تطبیق کند رفتاری است "به‌هنجار" و اگر نسبت به آن انحراف داشته باشد "نابهنجار" نامیده میشود. هنجارها قضایائی انسانی، وضعی و قراردادی هستند.)) (قرائی مقدم، ۱۳۷۷، ص ۱۷۸)

((آنومی (ناهنجاری) وضعیتی است که در جامعه هنجار معینی وجود ندارد که فرد از آن پیروی کند و او بی‌ریشه عمل می‌کند.)) (ربانی و شاهنوشی، ۱۳۸۵، ص ۸۵)

آداب و رسوم، عادات، قوانین و مقررات اجتماعی را می‌توان از اقسام هنجارها برشمرد.

- اصطلاحات معادل هنجار در قرآن و روایات:

الف- کلمه "السُّنَّة" با کلمه "هنجار" در فارسی و کلمه "نرم"^۱ در زبان انگلیسی معادل است. ((السُّنَّة: الطَّرِيقَةُ. وَالسَّيْرَةُ حَمِيدَةٌ كَانَتْ أَوْ ذَمِيْقَةٌ. سُنَّةُ اللَّهِ: حُكْمُهُ فِي خَلْقِهِ وَسُنَّةُ النَّبِيِّ: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مَا نُسِبَ إِلَيْهِ مِنْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ أَوْ تَقْرِيرٍ.)) (ابراهیم مصطفی و دیگران، المعجم الوسيط، ۱۹۸۹، ص ۴۵۶)

سنت به معنای راه و روش پسندیده و یا مذموم است. سُنَّةُ اللَّهِ حُكْمُ اللَّهِ نَسِبَ بِهِ مَخْلُوقَاتِهِ (وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۶۲/۳۳) و سُنَّةُ النَّبِيِّ شَامِلٌ لِكُلِّ فِعْلٍ وَامْرَأَةٍ يَمْبُرُ بِهَا كَرَمًا (ص) می‌باشد.

((سنت، جریان امری منضبط در ظهور صفت یا فعل و یا گفتار است.)) (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۲۸)

¹-norm

((السنّة في اللغة: الطريقة و السيرة و الجمع سنن.)) (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲۶۸)

در فارسی، "سنّة" به خوی، طبیعت، روش و طریقه، واجب، حکم، فرمان، قانون و احادیث نبوی ترجمه شده است. (سیاح، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۷۳۹)

کلمات عربی واژه هنجار، سیره، سنّة، طریق مستقیم، طراز و قاعده است. (تونجی، ۱۹۹۳، ص ۶۸۴)

- مثالهایی از قرآن و نهج البلاغه در مورد معانی سنت:

مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرْجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا.

(۳۸/۳۳)

هیچ گونه منعی بر پیامبر بر آنچه خدا بر او واجب کرده نیست. این سنت الهی در مورد کسانی که پیش از این بوده‌اند نیز جاری بوده و فرمان خدا روی حساب و برنامه دقیقی است.

در این آیه، سنت به معنی حکم و امر الهی است. احکام و اوامر الهی هر گاه توسط جانشینان او در جامعه اجرا شود جزء هنجارهای اجتماعی آن جامعه نیز می‌باشد.

"سنت" در قرآن کریم علاوه بر سنّة الله، به معنای هنجارهای اجتماعی پایدار نیز عنوان شده است:

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْاَوَّلِينَ (۱۳/۱۵)

(اما با این حال) آنها به آن ایمان نمی‌آورند. روش اقوام پیشین نیز چنین بود.

((خدای تعالی با این جمله رسول گرامیش را خبر می‌دهد که مجرمین به ذکر ایمان نمی‌آورند، و این روش در امت‌های گذشته نیز سابقه داشته است، چون سنت آنها نیز این بود که حق را استهزاء کنند و پیروی نمایند.))

(طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۹۶)

کلمه "سنت" در نهج البلاغه به معنای هنجارهای پایدار و نیز اقسام دیگر هنجارهای اجتماعی، آمده است.

وَلَا تَنْقُضْ سُنَّةَ صَالِحٍ عَمِلَ بِهَا صُدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَاجْتَمَعَتْ بِهَا الْأُلْفَةُ، وَصَلَحَتْ

عَلَيْهِ الرَّعِيَّةُ. وَلَا تُحَدِّثَنَّ سُنَّةَ تَصَرُّ بِشَيْءٍ مِنْ مَاضِي تِلْكَ السَّنَنِ. (نامه ۳۸ / ۵۳)

و آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند، و ملت اسلام با آن پیوند خورده، و رعیت با آن

اصلاح شدند بر هم مزین، و آدابی که به سنتهای خوب گذشته زیان وارد می‌کند، پدید نیآور.

منظور از سنت در این بخش از سخنان حضرت روش یا سیره ای است که بزرگان امت به آن عمل کردند. البته در بعضی از ترجمه ها به جای "آداب پسندیده" "کارهای خوبی که مردم به آن عادات کرده اند" را، انتخاب کرده که اینها نیز از اقسام هنجارهای اجتماعی می باشند. (زمانی، ۱۳۷۰، نامه ۵۳، ص ۷۷۰)

وَالْوَجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تَتَذَكَّرَ مَا مَضَى لِمَنْ تَقْدَمُكَ مِنْ حُكُومَةٍ عَادِلَةٍ أَوْ سُنَّةٍ فَاضِلَةٍ، أَوْ آثَرٍ عَنِ نَبِيِّنَا (صلى الله عليه وآله وسلم) أَوْ فَرِيضَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ، فَتَقْتَدِيَ بِمَا شَاهَدْتَ مِمَّا عَمَلْنَا بِهِ فِيهَا. (نامه ۵۳/۱۵۲)

بر تو لازم است که حکومت‌های دادگستر پیشین، سنت‌های با ارزش گذشتگان، روش‌های پسندیده رفتگان و آثار پیامبر (ص) و واجباتی که در کتاب خداست را همواره به یاد آوری و به آنچه ما عمل کرده ایم پیروی کنی. در این قسمت، کلمه "سنة" به "روش" ترجمه شده است.

هر چند موارد استفاده از واژه "سنت" با واژه "هنجار" بعضاً متفاوت می باشد، ولی مصادیق و اقسام هر دو دلالت بر یکی بودن مفهوم این واژگان دارد. و به نظر می رسد نزدیکترین کلمه در قرآن و روایات به واژه هنجار "سنت" باشد. هر چند کلماتی مانند "سیره"، "دأب" و "عرف" نیز به بخشی از معنای هنجار دلالت دارند:

ب- **سیره**: سیره در لغت به معنی راه و روش نیکو و یا زشت آمده است.

((السيرة: الطريقة و منه سار بهم سيرة حسنة ا و قبيحة...)) (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳ ص ۱۱)

"سیرته" القصد و سنته الرشد و كلامه الفضل و حكمه العدل. (خطبه ۶/۹۴)

راه و رسم او (پیامبر اکرم ص) با اعتدال و روش زندگی او صحیح و پایدار و سخنانش روشنگر حق و باطل و حکم او عادلانه است.

ج- **دأب**: ((دأب: شأن و عادت (كدأب آل فرعون ۱۱/۳) و فی الحدیث: (صلاة اللیل دأب الصالحین) ای عادت‌هم و شأنهم)) (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲ ص ۵۴)

علاوه بر شأن و عادت، اجتهاد، ملازمت، و مداومت نیز جزء معانی "دأب" ذکر شده است. (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۳ ص ۱۸۸)

د- **عرف**: عرف، معادل معروف است (فعلی که عقل یا شرع آن را به نیکی بشناسد) و به آنچه که بین مردم در عادات و معاملاتشان رایج است نیز گفته می شود. (ابراهیم مصطفی و دیگران، ۱۹۸۹، ص ۵۹۵)